

پیش‌بینی جرم قبل از وقوع

آمریکا می‌خواهد با تکنیک «ماینوریتی ریپورت» وقوع جرم را در آینده پیش‌بینی کند و شهروندان عادی را که در آینده قرار است مجرم باشند، همین امروز دستگیر کند. این همان آرمان شهر منفی که آلداس هاکسلی تشریح کرده بود، نیست؟



در راه آرمان شهر منفی

پیش‌بینی جرم قبل از وقوع

جام جم آنلاین: آمریکا می‌خواهد با تکنیک #171;ماینوریتی ریپورت» وقوع جرم را در آینده پیش‌بینی کند و شهروندان عادی را که در آینده قرار است مجرم باشند، همین امروز دستگیر کند. این همان آرمان شهر منفی که آلداس هاکسلی تشریح کرده بود، نیست؟

به گزارش دویچه وله، واشنگتن دی‌سی در سال 2054. محل جنایت نامشخص. پرونده شماره 1108. جان اندرتون، افسر پلیس در حال آموزش. اندرتون باید جنایتی را کشف کند که هنوز کسی مرتکب آن نشده است، در شهری که نرخ جنایت در آن بالاست. اندرتون (با بازی تام کروز) سعی می‌کند برای کشف جنایت اتفاق نیفتاده، از راه دور تنها با حرکت دادن دست‌هایش در فضا به کامپیوتر حاوی اطلاعات سری نفوذ کند.

صحنه‌هایی از فیلم #171;ماینوریتی ریپورت»؛ یک فیلم علمی-تخیلی، محصول سال 2002 آمریکا به کارگردانی استیون اسپیلبرگ. در این فیلم تکلیف تام کروز این است که جانینان و خلافکاران آینده را پیش از ارتکاب جرم، دستگیر و زندانی کند. پیش‌گویی جنایتی از جنس آینده. شاید بگویید تصویری که تنها می‌توان آن را در کتاب‌ها یافت یا در فیلم‌ها دید.

وقتی که اسپیلبرگ در سال 2002 از قوه تخیل کم نظیرش برای به تصویر کشیدن امکاناتی که تکنولوژی در سال 2054 در اختیار بشر می‌گذارد، استفاده می‌کرد، شاید نمی‌دانست که برنامه "پری کرایم" خیالی‌اش الهام بخش وزارت کشور ایالات متحده برای پیشگیری از جنایت در سال 2011 خواهد شد.

روبایی واقعی

وزارت امنیت داخلی آمریکا (Department of Homeland Security) سال‌هاست که مخفیانه برای کشف جنایات پیش از وقوع آنها بر روی یک برنامه "پری‌کرایم" (pre-crime) کار می‌کند. مرکز اطلاعات شخصی الکترونیکی آمریکا (Epic) گزارشی منتشر کرده است که نشان می‌دهد، داده‌های مورد نیاز از طریق تکنولوژی موسوم به #171;اسکن نشانه‌های آینده»؛ که به اختصار #171;فاست» (FAST) نام دارد، به دست می‌آید.

بر این اساس، #171;فاست»؛ باید افراد مظنون را از راه بررسی نشانه‌هایی مثل وابستگی‌های قومی و نژادی، جنسیت، سن، فرکانس تنفسی و آهنگ ضربان آن‌ها شناسایی کند و بر پایه این داده‌ها به "نیت و قصد پلید" مظنون پیش از ارتکاب به جنایت پی ببرد. داده‌های ویدیویی و صوتی هم از جمله موادی هستند که قرار است این سیستم به عنوان منبع اطلاعاتی از آن‌ها تغذیه کند. برای #171;فاست»؛ این که آیا مظنون دارای #171;سوء سابقه»؛ است یا #171;پاک»؛ است، اهمیتی ندارد.

هنوز مشخص نیست که این سیستم چگونه و در کجا آزمایش شده است. اما مکان‌هایی مانند فرودگاه‌ها یا مکان‌های برگزاری همایش‌های بزرگ، استادیوم‌های ورزشی یا کنسرت‌ها به عنوان محل تست این سیستم قابل تصورند. گفته می‌شود که ضریب موفقیت تست آزمایشگاهی این سیستم در سال گذشته تا 78 درصد بوده است.

پیش به سوی آرمان شهر منفی

آیا می‌توان این سیستم را یک گام آمریکایی در راه رسیدن به دنیایی پر از صلح و آرامش دانست؟ بهشت برین؟ اگر این برنامه واقعا

قابلیت اجرا داشته باشد و نرخ جنایت با بهره‌گیری از آن پایین بیاید، تکلیف حریم خصوصی افراد چه می‌شود و آیا می‌توان شهروندان را قصاص پیش از جنایت کرد؟

بهشت دنیوی اما واقعی نیست بلکه تنها در فیلم میسر است. مثالی از آنچه «اتوپیای نگاتیو« خوانده می‌شود.

سال 1932 آولدس هاکسلی کتاب "دنیای قشنگ نو" را نوشت. نویسنده در کتاب آرمان‌شهری منفی را به نمایش گذاشته است. آرمان‌شهری که در آن آینده بشر چیزی جز آن است که در ابتدای قرن به بشر وعده داده شده بود. در این آرمان‌شهر منفی جنین‌ها دست‌کاری می‌شوند، عقایدی مخصوص به آدم‌ها تلقین می‌شود، در کتاب هاکسلی یک نوع ماده مخدر به عنوان بخشی از دستمزد شهروندان از سوی دولت بین آن‌ها تقسیم می‌شود.

در آرمان‌شهر منفی، انسان ظاهراً در جهانی ایده‌آل به سر می‌برد و همه این‌ها ممکن می‌شود چون ماشین‌ها، کامپیوترها و قدرت‌مدارانی از جنس خود انسان آزادی را از او سلب کرده و اختیار او را به دست گرفته‌اند.

آنچنان که در فیلم «ماتریکس« می‌شنویم، در آرمان‌شهر منفی، «انسان‌ها دیگر متولد نمی‌شوند، آن‌ها را پرورش می‌دهند«.

در صحنه‌ای از این فیلم "نیو" که یک هکر است، می‌گوید: «این حس را می‌شناسی که نمی‌توانی بفهمی که بیداری یا درحال خواب دیدن؟« نیو فهمیده است آنچه را که او به عنوان واقعیت دریافت می‌کند و این‌که همه چیز بر وفق مراد است، تنها یک رویاست که کامپیوتر به او القا می‌کند.

مارگرت اتوود نویسنده کتاب اوریکس و کریک می‌نویسد: «به زودی اگر مگسی روی دیوار می‌بینید، آن مگس می‌تواند به شما نگاه کند و همه حرکات شما را ضبط کند و شما نمی‌توانید آن را از مگس واقعی تشخیص دهید.« گویا بشر اکنون در حال ساخت چنین «مگس‌هایی« است. «مگس‌هایی« که با اسکن کردن شما می‌توانند تشخیص دهند که آیا شما در آینده، زمانی هوس جنایت به سرتان خواهد زد یا خیر.

شاید باید از این پس اسپیلبرگ و شرکا را با فیلم‌های تخیلی‌شان جدی‌تر بگیریم و فراموش نکنیم که بشر سال‌ها پس از زولورن توانست «بیست هزار فرسنگ زیر دریا« را ببیند. «به بیابان واقعیت خوش آمدید.«